

## ضرورت برنامه‌ریزی برای اهداف انقلاب\*

بسم الله الرحمن الرحيم

امسال که ما در آستانه بیست و پنجمین سالگرد بزرگداشت انقلاب اسلامی هستیم، شاید لازم است که برنامه‌های ما نیز از گستردگی ویژه‌ای برخوردار باشد یعنی؛ اینکه دهه فجر سال آینده در طول سال استمرار پیدا خواهد کرد و تنها در طول ده روز خلاصه نخواهد شد و من هم فکر می‌کردم که از چه موضع و از چه نگاهی ما وارد بحث دهه فجر بشویم. بیست و پنج سال یک نسل است و امروز وقتی مسأله انقلاب اسلامی مطرح می‌شود، ما انقلاب اسلامی را در فروغ خاطرات بیست و پنج سال پیش می‌بینیم. آنچه که بیان می‌شود و به تصویر کشیده شده به صورت سرود و موسیقی ارائه می‌شود و در حقیقت تکرار این خاطره است مراسمی که از صحنه‌های مختلف استقبال امام(ره) هست از صحنه‌های مختلف حضور و مشارکت مردم؛ و موسیقی‌هایی که همراه با این صحنه‌ها پخش می‌شود؛ کاملاً با ما ارتباط برقرار می‌کند یعنی؛ وقتی ما اسامی و شعرها را می‌شنویم، یادآور خاطراتی است؛ اما برای نسلی که این تجربه را نداشته، انقلاب چه خاطره‌ای را ممکن است تداعی بکند، این شعرها و تصویرها و گزارشها چه چیزی را ممکن است تداعی بکنند؟ به نظرم این سئوالی اساسی است، که ما باید به آن پاسخ بدهیم. شاید ما هم نباید پاسخ بدهیم بلکه باید کار را به دست نسل امروز دهیم و آنها خودشان پاسخ بدهند، خودشان در قضیه، طراحی و مشارکت کنند. در حقیقت، آن ادبیاتی که باید نسل امروز با آن انقلاب را بشناسد، کدام ادبیات است؟ آن ادبیاتی که باعث یک ارتباط روانی و عاطفی بشود، چه ادبیاتی است؟ این چیزی است که شاید در بیست و پنجمین سال انقلاب باید به آن بیشتر پردازیم. از این جهت می‌گویم

\* آقای احمد مسجدجامعی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۷۵ که بیست و پنج سال زمانی است که نسل جدیدی وارد عرصه می‌شود و ما باید این وقایع را به این نسل منتقل کنیم. با کدام ادبیات؟ با ادبیات انقلاب اسلامی که مبتنی بر اخلاق و عاطفه و مبتنی بر فرهنگ بود. مرحوم آقای مطهری که از نظریه‌پردازان عمده این نظام سیاسی است، خودشان در تعریف این نظام و در تعریف انقلاب قائل به وجه فرهنگی هستند. و گزارشی که از انقلاب‌های مختلف می‌دهند، این وجه را در این انقلاب برجسته می‌کنند. این فرهنگ، این هدف، این ادبیات چگونه در انقلاب اسلامی بود؟ انقلاب اسلامی قطعاً یک انقلاب اخلاقی بود، یعنی کسانی که به این حوزه وارد شدند، چنین دغدغه‌ای داشتند؛ دغدغه اخلاق را داشتند. دغدغه ادب و معنا را داشتند، یعنی احساسشان این بود که جامعه از معنا تهی شده و معنای جدیدی باید وارد این فضا بشود.

شما در روابط معمول و عادی مردم هم این نکته را می‌بینید. همه حرکت‌ها، یک مبنای اخلاقی داشت ستادهایی که شکل می‌گرفت، فعالیت‌هایی که می‌شد، همیاری‌ها و همکاری‌هایی که صورت می‌گرفت، مبنای اخلاقی داشت و نوعی محبت و عاطفه بود، یعنی امام حتی دشمن خود و دشمن نظام را نصیحت می‌کرد، برخوردی هم که می‌شد از این نوع موضع بود. کدام انقلاب است که بگوید مثلاً؛ شما به ما گلوه زدید، ما به شما گل می‌دهیم. کدام انقلاب است زمانی که دشمن به آن حمله می‌کند، بگوید: سوی دیار عاشقان به کربلا می‌رویم. مگر عشق با جنگ جمع می‌شود؟ مگر کسی که عاشق است می‌جنگد؟ مگر بسیج مدرسه عشق نیست؟ یعنی اگر بسیج هست، اگر جنگی هست، مبنایش محبت و لطف است و اگر دینی هم هست، مبنایش باز هم لطف است، این مفهوم در روایات هم هست. اگر تعظیم شعائر هم هست (شعائر مبنایش محبت است) شعائر را باید تعظیم کنیم و نباید آن را خفیف بشماریم. اگر این ادبیات باشد، فرهنگ همکاری هم شکل دیگری پیدا می‌کند و این فردگرایی، تبدیل به جمع‌گرایی می‌شود. منیت‌ها کمرنگ می‌شود. حالا فرق نمی‌کند من فردی یا من جمعی اگر من فردی و من جمعی کمرنگ شد، توجه به یک ما و به یک روح جمعی رشد پیدا می‌کند و احساس سرنوشت مشترک به وجود می‌آید.

ما در دوره انقلاب خیلی بزرگ بودیم؛ ما یعنی مستضعفان جهان، یعنی مسلمانان جهان. ما خیلی بزرگ بودیم. این «ما» کوچک شده و بالأخره شدیم «من». حالا یا من

فردی و یا من پنجاه، شصت ساله.

امروز اهدافمان هم کوچک شد و به سمت یک نوع فردیت رفتیم و هر کسی می‌گوید من گلیم خودم را ... نمی‌شود سوار یک کشتی بود و این تصور را داشت که اگر کشتی آسیب ببیند، همه آسیب نمی‌بینند و این تنها یک تصور است. اینکه هر کس به فکر امنیت خودش باشد خیالی بیش نیست. به نظر می‌رسد این روحیه‌ای است که باید هر طور شده، در این انقلاب احیا کنیم. در مصاحبه‌ای که شب گذشته آقای حاتمی‌کیا در تلویزیون داشت تعبیر زیبایی را به کار برد و گفت: امام موقعی که آمدند، همه دیدیم، بعضی‌ها هم از این آمدن امام تصویر گرفتند. نخستین عکس‌هایی که از امام چاپ می‌شد، همه از امام فاصله می‌گرفتند و امام در یک سطح بالایی ایستاده بودند و شما در کنار امام جمعیت را می‌دیدید که در پایین بودند. این جمعیت رفته رفته کم شد و دایم این جمعیت پایین امام حذف شدند و امام ماندند بالای هواپیما، با یک خلبان و عده‌ای اطرافشان؛ که کم‌کم آن بالایی‌ها هم حذف شدند و امام وسط ماندند با یک خلبان، یعنی شما بیست و پنج سال است که می‌بینید امام آن جا ایستاده و جمعیت پایین است؛ جمعیت بالاست؛ جمعیت آن طرف است؛ جمعیت این طرف است و بالأخره هر سال که می‌گذرد، امام تنها و تنها می‌شوند. و در نهایت جمعیتی در اطراف امام نمی‌بینیم. این انقطاع، بازگشتش به چیست؟ این پوسترها را هم ما چاپ می‌کنیم، این همان روحیه‌ی فردگرایی نیست؟ این همان روحیه‌ای نیست که ما به فرد خودمان توجه می‌کنیم، مثلاً؛ یک نکته‌ای که در انقلاب اتفاق افتاد و ما یک معنای مشترک جمعی و یک احساس سرنوشت مشترک را پیدا کردیم و این احساس همراه با اراده‌ی تغییر بود. اراده‌ی تغییر ناشی از چه می‌شود؟ ناشی از این می‌شود که نگاه و امید به آینده داریم. اگر جامعه‌ای نگاه و امیدش به آینده باشد، در این صورت درصدد است تا در عمل آینده را بسازد، و اگر نسبت به آینده ناامید باشد، همین ناامیدی در آینده هم تأثیر می‌گذارد و ما در انقلاب اسلامی نیز چنین وضعیتی را داشتیم! امروز بحث می‌کنیم که بالأخره سرنوشت انقلاب چه می‌شود؟ حال خوب یا بد، و ما بالأخره بر مشکلات غلبه می‌کنیم در حالی که آن زمانها این بحث‌ها نبود، بحث این بود که سرنوشت جهان چه می‌شود؟ ما انقلاب کردیم، و می‌خواستیم سرنوشت عالم را عوض کنیم! می‌گفتیم: ما انقلاب کردیم، حالا این مسئله فلسطین چه می‌شود؟ مسئله منطقه چه می‌شود؟ سرنوشت خود انقلاب چه می‌شود؟

آینده انقلاب چه می‌شود؟ با این عرایض باید نسبت به آینده‌امیدی به وجود بیاید. شرط به وجود آمدن این امید این است که ما شرایط موجود را واقعی ترسیم کنیم، مشکلات این مقدار نیست که ما را از رفتن این راه باز دارد و نباید به مشکلات دامن زد و یا مشکلات را آنقدر بزرگ کرد. قطعاً انقلاب اسلامی در آینده بهتر تحقق پیدا می‌کند و این متعلق به گذشته نیست، بلکه متعلق به آینده است؛ این انقلاب اسلامی در گذشته اتفاق افتاده، اما در آینده شکوفاتر خواهد شد و ظهور و بروز بیشتری خواهد یافت. اگر نگاهمان فقط به گذشته باشد، آینده را از دست می‌دهیم و ستادهای دهه فجر حتماً باید یک جشنی برپا کنند که این جشن نگاه به آینده انقلاب داشته باشد. مگر چقدر می‌شود از گذشته گزارش داد و چقدر می‌شود از گذشته فیلم ساخت و چه اندازه می‌شود راجع به گذشته سرود ساخت. اما اگر شما گفتید این گذشته‌ای است که پایه‌ی آینده را می‌سازد، اگر گفتیم: امام متعلق به آینده است و اگر گفتید: انقلاب اسلامی مربوط به آینده است، اصلاً نوع نگاه عوض می‌شود. دیگر امام در این تصاویری که ما از جماران گرفتیم و یا از مسیر فرودگاه تا بهشت زهرا و سخنرانی امام خلاصه نمی‌شود، بلکه فضای دیگری ایجاد می‌شود، امام را باید در آینده دید؛ انقلاب اسلامی را باید در آینده دید؛ هر چند در گذشته شروع می‌شود و این، آن چیزی است که نسل جدید باید به آن توجه کند، و نسل جدید خیلی آن تجربیات ما را ندارد، و انقلاب اسلامی برایش تکرار تجربه نیست؛ چون در این تجربه مشارکت نداشته است، منظورم تجربه‌ای به آن معنی که ما داشته‌ایم، اما این نسل می‌تواند تجربه‌ای در این زمینه داشته باشد. و به نظرم ستادهای باید چنین زمینه‌ای را برای این تجربه فراهم کنند. همین نمایشگاه قرآن یک بخشی دارد که بچه‌ها تجربه‌ی خودشان را از یک معنای قرآنی بیان می‌کنند و بسیار زیبا هم بیان می‌کنند و اصلاً نیاز نیست که ما تجربه خودمان را بگوییم که آنها تکرار کنند. در یکی از همین شب‌ها بچه‌ای را دیدم که داشت نقاشی می‌کشید، پدر و مادرش آمدند کمکش کنند؛ مربی گفت: خانم خواهش می‌کنم شما کمکش نکنید، گفت: چرا؟ گفت: بگذارید خودش بکشد. بعد من از آن مسئولش پرسیدم چرا؟ گفت: او رنگ دریا را زرد کشیده! اگر پدر و مادرش بودند، آن را چه رنگی می‌کشیدند؟ گفتم آبی، گفت: حالا آبی درست است یا زرد؟ او گفت زرد درست است، گفتم چرا زرد درست است؟ گفت زرد رنگ اضطراب است! او در این نقاشی کشتی نوح را کشیده، این کشتی نوح گرفتار طوفان شده، و در

اینجا رنگ زرد درست است. گفت: این که ما می‌گوییم شما دخالت نکنید، علتش این است. او الآن این رنگ را انتخاب می‌کند و اینجا را اتفاقاً باید رنگ زرد کرد. بگذاریم اینها استعدادها و خلاقیت‌های خودشان را داشته باشند و همین گزارش تصویری که یکی از سینماگران کار کرده بود؛ سؤال کردند شما که خرمشهر را ندیده‌اید! کوچولو شما چه طوری این نقش را بازی کردید؟ بعد گفت: که او چگونه با فضایی که ندیده آشنا شده و مشارکت کرده. ما چه راههایی داریم که اعتماد به نفس خودمان را داشته باشیم و نسل جوان را نیز مشارکت دهیم و از تجربیات آنها هم استفاده کنیم.

اگر این طور فکر کنیم، شاید ترکیب ستادهایمان و نوع برنامه‌هایمان عوض شود. انقلاب یک آرمان‌هایی دارد و نظام سیاسی نیز چهارچوب‌هایی دارد من فکر می‌کنم که برنامه‌های دهه فجر باید جمع بین انقلاب و نظام سیاسی باشد. نظام سیاسی دنبال این است که شکوه و اقتدار خود را نشان بدهد، اشکالی هم ندارد. نظام سیاسی از نهادهای رسمی استفاده می‌کند، اشکالی هم ندارد! از مناسبات رسمی و بخشنامه استفاده می‌کند، مشکلی هم نیست!

از همه اینها باید استفاده کرد چون ما نظامی سیاسی هم هستیم بخشنامه می‌کنیم که همه مدارس نیز این کار را بکنند و همچنین گروه‌های مختلف در دهه فجر این طور شرکت کنند، بخشنامه می‌کنیم که این‌گونه چراغانی کنید و نهادهای رسمی ما پوستر چاپ کنند و وزارت ارشاد پوستر چاپ نماید. این چه اشکال دارد؟ ما نظام سیاسی هستیم و نظام سیاسی، باید اقتدار خودش را نشان بدهد. اما ما انقلاب هم هستیم و من فکر می‌کنم ستادهای دهه فجر هر چه به این وجه، کم بها دهند و یا بیشتر؛ انقلاب آنجا است که مردم آنجا هستند؛ انقلاب آنجاست که آرمان‌ها هستند. شما در نظر بگیرید، وقتی که ما نظام سیاسی نداشتیم، چگونه این بزرگداشت‌ها را برگزار می‌کردیم؟ چگونه این خاطرات را برگزار می‌کردیم؟ چگونه این مناسبت‌ها را برگزار می‌کردیم؟ کدام سرمایه بود؟ آیا وزارت ارشاد بود؟ آیا سازمان تبلیغات بود؟ دفتر تبلیغات بود؟ آیا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بود؟ اینها که نبود! چگونه اینها را برگزار می‌کردیم؟ نباید اتکای به امکانات دولتی و بخشنامه‌ها و برنامه‌های رسمی مانع از آن شود که ما وجه آرمانی انقلاب را فراموش کنیم و اتفاقاً به نظر من این وظیفه عمده‌ای است که باید در شرایط فعلی به آن توجه کنیم و زمینه آن مشارکت‌ها را فراهم سازیم. بگذاریم خود

مدرسه‌ها و مسجدها جشن بگیرند، بگذاریم هر مسجدی جشن خودش را بگیرد، هر  
استانی کار خودش را بکند. لازم نیست کردستان عین تهران جشن بگیرد. لازم نیست  
تربت جام عین تهران برنامه داشته باشد.

بگذارید تنوع و تکثر برنامه باشد. اندیشه‌های مختلف، فکرهای مختلف، ایده‌های  
متفاوت و آدم‌های گوناگون حضور داشته باشند، و این حضور حضور فکر و  
اندیشه‌شان باشد. و به این صورت شما خواهید دید انبوهی از خلاقیت و برنامه‌ریزی و  
جشن و نشاط در ستادهای دهه فجر وجود خواهد داشت. من فکر می‌کنم لازم است ما  
در ستادهای دهه فجر به این وجه بیشتر توجه کنیم و البته این که قسمتی از برنامه‌های  
دهه فجر به دولت برمی‌گردد، شاید باید بیشتر در سال آینده به آن توجه کنیم. حتماً باید  
به مناسبت بیست و پنجمین سال گزارش دو دهه و نیم انقلاب داده شود و نمادهایی  
ساخته شود. شما می‌دانید که برج ایفل، نمادی است در انقلاب فرانسه، مجسمه آزادی  
نمادی است از انقلاب آمریکا و اینها نمادهای جهانی شده‌اند. امروز همه جای دنیا؛ هم  
مجسمه آزادی را می‌شناسند و هم برج ایفل را. نماد بزرگ ما چیست؟ نمادهای ما هنوز  
نمادهای کهن ماست. نمادهای مربوط به بعد از انقلاب نیست. همین میدان آزادی که  
مظهر فعالیت‌های ماست، چه نمادی است؟ متعلق به چه دوره‌ای است؟ مرحوم شیخ  
بهایی زمانی که هزارمین سال هجرت نبوی شد یک نمادی ساخت که این نماد، هنوز هم  
نگین هنر جهان است. ایشان به مناسبت هزارمین سال این نماد را ساخت، اما تا دو  
هزارمین سال هم این نماد نگین هنر جهان است. چون در آن هم اخلاص بود و هم علم و  
اندیشه و پشتیبانی بود. آن نماد اصفهان است برای هیچ انقلابی یک شهر ساخته نشد.  
اصفهان از قبل بود اما این اصفهان جدیدی که ساخته شده و این جذابیت‌ها و زاینده‌رود  
و میدان نقش جهان و مسجد شیخ لطف الله و اینها از آن دوره است. همت‌هایی این  
چنینی پشت این نظام و انقلاب بوده است و ما از این علم و تجربه بهره بردیم و انقلاب  
اسلامی شکل گرفت و نیز برای بیست و پنجمین سال، باید فکر نمادها و فعالیت‌های  
بزرگ باشیم؛ ما نباید به کارهای جزئی بسنده کنیم و اصلاً برای کارهای بزرگ  
برنامه‌ریزی کنیم. پس باید فکر کرد و مانند خود امام اندیشید.

آقای شاه آبادی می‌گفتند: سالها پیش من در نجف بودم و امام را در خواب دیدم،  
سفره‌ای پهن بود و درون این سفره، نقشه‌ای بود. نگاه کردم! دیدم نقشه همه دنیاست!

نقشه همه عالم است و بعد دیدم امام این سفره را به دوش گرفته و خیلی خسته، عرق ریزان سفره را می برد! سؤال کردم که این سفره چیست؟ ایشان در همان حالت خواب گفته بودند که من باید همه اینها را اداره کنم و زندگیشان را تأمین نمایم. به هر حال همتی است بلند که کسی بخواهد یک عالم را اداره کند!

بر این اساس باید اهداف انقلاب را برنامه ریزی کرد و چشم انداز آینده را تصویر نمود، البته در جمع شما عزیزان باید از محضرتان بیشتر استفاده کرد اما چون محبت فرمودند، من هم بر حسب انجام وظیفه دقایقی را در خدمت شما بودم و امیدوارم ما هم بتوانیم در جشن ها و شور و امید انقلاب اسلامی سهمی داشته باشیم و در حد وسع خودمان کمکی کرده باشیم و انشاء الله به مدد نیت های پاک شما، این حرکت های کوچک ما، به حرکت بزرگی در معنا و شکل تبدیل شود و همه ما از برکات آن بهره مند گردیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی